

«ما در مکه باشیم یا نباشیم دل و روحمان با ابراهیم و در مکه است. دروازه‌های مدینه‌الرسول را به روی ما ببندند یا بگشایند، رشته محبتمان با پیامبر هرگز پاره و سست نمی‌شود. به سوی کعبه نماز می‌گزاریم و به سوی کعبه می‌میریم. و خدا را سپاس می‌گزاریم که در میناقمان باخدای کعبه پایدار مانده‌ایم و پایه‌های برائت از مشرکان را با خون هزاران هزار شهید از عزیزانمان بنیان نهاده‌ایم و منتظر هم نمانده‌ایم که حاکمان بی‌شخصیت بعض کشورهای اسلامی و غیراسلامی از حرکت ما پشتیبانی کنند. ما مظلومین همیشه تاریخ، محرومان و پابرهنگانیم. ما غیر از خدا کسی را نداریم و اگر هزار بار قطعه قطعه شویم، دست از مبارزه با ظالم برمی‌داریم.» (بخشی از پیام امام به مناسبت سالگرد کشتار خونین حجاج در مکه)

شاید در طول تاریخ اسلام کمتر کسی مانند امام خمینی(ره) با نگاهی نقادانه به عادی شدن تلقی‌ها از حج پرداخته باشد. در واقع او اولین نفری بود که در قرن معاصر به این موضوع پرداخت و متاثرین از وی تا سال‌ها بعد اندیشه‌های وی را هم در اهل سنت و هم در تشیع دنبال و درباره آن صحبت کردند. اگرچه در اندازه اهمیت این موضوع به آن پرداخته نشده است، اما امروز «مراسم برائت از مشرکین» به عنوان یکی از یادگارهای امام راحل هر ساله در حج برگزار می‌شود و به بخشی از این مناسک عظیم تبدیل شده است. تلاش‌های امام(ره) مهم‌ترین بخش حج یعنی روح و باطن حج که «برائت» از مشرکان است را زنده کرد و قالب خموده و جمود حاکم بر حج را که براساس عادت و تبدیل به ظاهر شده بود، زیر سوال برد. آنجا که در پیام سالگرد حج خونین در پیامی می‌گوید: «مسلم، حج بی‌روح و بی‌تحرک و قیام، حج بی‌برائت، حج بی‌وحدت و حجی که از آن، هدم کفر و شرکت برنیاید، حج نیست.»

از منظر امام خمینی(ره) اسلام آمریکایی صرفاً اسلام غرب‌زده یا اسلامی که مورد تبلیغ یا حمایت مستقیم ایالات متحده آمریکا باشد، نیست. از منظر امام خمینی رحمة‌الله، تجدد و تحجر به‌مثابه ۲ مانع در فهم اسلام ناب عمل می‌کنند. قرآنی از اسلام که متأثر از این دو زمینه اجتماعی ارائه می‌شود، اسلام تجدد و اسلام تحجر خواهد بود. اسلام آمریکایی عنوان عامی برای هر اسلام برخاسته از هر دوی این زمینه‌هاست.

تبیین حج آمریکایی توسط شخصیت‌های انقلابی دیگری در جهان اسلام ادامه یافته است. سال‌ها بعد از امام، حسین الوضی اولین رهبر انصارالله در سخنرانی معروف «لاعنذر للجمعی امام الله»؛ «هیچ کس در برابر خدا عذری ندارد» که بعد از ۱۱ سپتامبر ایراد شده است، می‌گوید: این آمریکاست که قصد تسلط بر حرمین را دارد. چرا می‌خواهد بر حرمین مسلط شوند؟ چون هنوز حج را نتشناخته‌ایم. وقتی ما عرب‌های نahan از

یمن، عربستان، مصر و … به حج می‌رویم؛ یهودیان ارزش حج را بیشتر از ما می‌شناسند. یهودیان ارزشمندی و اهمیت حج را بهتر از ما شناخته‌اند. چقدر زیانده حاجتایی که حج می‌روند ولی ارزش حج را نمی‌دانند. حج در حد تسبیح تاثیرگذار است، حج در خدمت به آرمان وحدت اسلامی بسیار ارزشمند است. آیا سرزمین‌های اسلامی هم در حکومت‌های کوچک، حدود ۵۰ حکومت یا بیشتر تجزیه‌نکرده‌اند؟ سرزمین‌های

عربی را به چند حکومت کوچک تجزیه کردند. ولی هنوز حج برایشان به عنوان چالشی باقی مانده است. مسلمانان در حج از هر منطقه گرد هم می‌آیند. بنابراین حج همچنان نماد وحدت مسلمانان است، مسلمانان حول محور حج مجتمع می‌شوند. حج مفاهیمی بسیاری را در خود جا داده است. ای کاش کسی پیدا می‌شد و این مفاهیم را به مسلمانان یادآوری می‌کرد، در این صورت حج تبدیل به بحران بزرگی برای غربی‌ها می‌شد.»

شاید سوال‌های فراوانی در اذهان پیرامون «فلسفه حج» وجود داشته باشد. چرا به حج می‌رویم؟ چرا مسلمانان باید همه‌ساله بخش زیادی از وقت و مال خود را صرف انجام این مراسم کنند؟

سالگرد کشتار حجاج ایرانی در مراسم برائت از مشرکان توسط رژیم آل سعود در سال ۶۶ (ششم ذی‌الحجه ۱۴۰۷ ه‍.ق) و تحرکات امروز آل سعود در توئین و تهدید ایران، حمله متجاوزانه به یمن و همراهی آل سعود با رژیم صهیونیستی که امروز به عنوان «خادم الحرمین» خود را معرفی می‌کنند، بهانه‌ای برای بازخوانی افکار و آرای امام(ره) درباره حج آمریکایی است.

دو گانه اسلام ناب - اسلام آمریکایی به‌مثابه یک ایده محسوری و به‌نوعی همزاد تاریخی و معرفتی انقلاب اسلامی است. با این همه، کمتر به جایگاه شایسته‌اش در میان فعالان دلسوز جهان اسلام دست یافته است. از زمینه‌های سیاسی- اجتماعی و منفعت‌محور جمهوریّت این ایده که



به بهانه سالگرد کشتار خونین حجاج ایرانی در مکه به دست آل سعود

حج نوادگان بلعم باعورا

هادی قائم مقامی

بگذریم، برخی خطاهای روش‌شناختی، این نظر به کلیدی را تا حدودی از دسترس خارج کرده است. پس از امام خمینی رحمة‌الله، در شرایطی که ادبیات اسلام ناب - اسلام آمریکایی در فضای سیاست‌زده داخل کشور مورد طعن و قهر یا مصرف انتخاباتی جناح‌های عمده سیاسی قرار گرفته است، آیت‌الله خمنه‌ای بار دیگر این ادبیات را در کانون توجه‌ها قرار می‌دهند. ایشان طی دوره‌ای حدوداً یک‌ساله، به تشریح مفاهیم این نظریه پرداخته و با مفهوم‌سازی‌های متعدد، ادبیات این نظریه را گسترش می‌دهند. شاید بتوان نمونه کامل و جمع‌بندی این دوره را در پیام ایشان در اولین سالگرد رحلت امام خمینی رحمة‌الله مشاهده کرد. آنجا که کلیت مدرسه فکری امام خمینی رحمة‌الله و همچنین لایه‌های بنیادین و معرفتی انقلاب اسلامی را در چارچوب دوگانه اسلام ناب - اسلام آمریکایی تشریح می‌کنند

یکی از اصلی‌ترین نقاط مبانی و اندیشه امام تاکید بر اسلام ناب محمدی(ص) و در مقابل

آن برحزرن داشتن از «اسلام آمریکایی» است. این اسلام آمریکایی از منظر امام چند مصداق دارد از جمله: «اسلام اشرافیت، درباری، اسلام مقدس نمانهای بی‌شعور حوزه‌های علمی و دانشگاهی، اسلام ملاهای کثیف درباری، اسلام مقدس نمانهای بی‌شعور حوزه‌های علمی و دانشگاهی، اسلام ذلت و نکبت، اسلام پول و زور، اسلام فریب و سازش و اسارت، اسلام حاکمیت سرزمایه و سرمایه‌داران بر مظلومین و پابرهنه‌ها و در یک کلام اسلام آمریکایی» که امام خمینی(ره) هم در پیام قطعنامه هم در وصیتنامه سیاسی -الهی خود درباره آن مفصل بحث کرده‌اند

پیام قطعنامه و هم در وصیتنامه سیاسی -الهی خود درباره آن مفصل بحث کرده‌اند.

ایشان نقطه مقابل این اسلام را نیز معرفی می‌کنند: «در انقلاب اسلامی، اسلام کتاب و سنت، جایگزین اسلام خرافه و بدعت؛ اسلام جهاد و شهادت، جایگزین اسلام قعود و اسارت و ذلت؛ اسلام تعبد و تعقل، جایگزین اسلام التقاط و جهالت؛ اسلام دنیا و آخرت، جایگزین اسلام دنیاپرستی یا رهبانیت؛ اسلام علم و معرفت، جایگزین اسلام تحجر و غفلت؛ اسلام دیانت و سیاست، جایگزین اسلام بی‌بندوباری و بی‌تفاوتی؛ اسلام قیام و عمل، جایگزین اسلام بی‌حالی و افسردگی؛ اسلام فرد و جامعه، جایگزین اسلام تشریفاتی و بی‌خاصیت؛ اسلام نجاتبخش محرومان، جایگزین اسلام بازپچه دست قدرت‌ها؛ و خلاصه اسلام ناب محمدی (صلی‌الله علیه و اله وسلم)، جایگزین اسلام آمریکایی گردید.»

امام خمینی(ره) در پیامی که به مناسبت سالگرد حمله به زائران ایرانی در مکه صادر می‌کنند، همه مصادیق اسلام آمریکایی را در مراسم حج معمول و بی‌روح خلاصه می‌کنند و آن را به چالش می‌کشند: «بزرگ‌ترین درد جوامع اسلامی این است که هنوز فلسفه واقعی بسیاری از احکام الهی را درک نکرده‌اند، و حج با آن همه راز و عظمتی که دارد هنوز به صورت یک عبادت خشک و یک حرکت بی‌حاصل و بی‌ثمر باقی مانده است. یکی از وظایف بزرگ مسلمانان پی بردن به این واقعیت است که حج چیست و چرا برای همیشه باید بخشی از امکانات مادی و

معنوی خود را برای برپایی آن صرف کنند».

روشنفکری بیمار در ایران سال‌ها با انتقاد از اصطلاح خودساخته دین عامیانه و دستاویز کردن وجوهی از مناسک مختلف اسلامی مثل عزاداری، حج و… خود اسلام را هدف قرار داده و به آن هجمه کرد. در حالی که جریان لیبرال با نق زند‌های مکرر مناسک را به سخره می‌گیرد اما رویکرد سکولار خود را نیز در این باره حفظ کرده است. در حالی که امام خمینی(ره) نسبت به سکولار شدن حج تذکر و هشدار می‌دهند: «چیزی که تا به حال از ناحیه ناآگاهان و یا تحلیلگران مغرض و یا جیره‌خواران به عنوان فلسفه حج ترسیم شده است این است که حج یک عبادت دسته‌جمعی و یک سفر زیارتی -سیاحتی است. به حج چه که چگونه باید زیست و چطور باید مبارزه کرد و با چه کیفیت در مقابل جهان سرمایه‌داری و کمونیسم ایستاد! به حج چه که حقوق مسلمانان و محرومان را ظالمین باید ستانند! به حج چه که باید برای فاشرهای روحی و جسمی مسلمانان چاره‌اندیشی نمود؛ یا حج چه که مسلمانان باید به عنوان یک نیروی بزرگ و قدرت سوم جهان خودنمایی کنند! به حج چه که مسلمانان را علیه حکومت‌های وابسته بشوراند. بلکه حج همان سفر تفریحی برای دیدار از قبله و مدینه است و بس!»

امام با طرح این سوال که «هیچکس نیست که از خود بیسرد ابراهیم و محمد - علیهم‌السلام - که بودند و چه کردند، هدفشان چه بود، از ما چه خواسته‌اند؟» حقیقت و فلسفه حج در اسلام ناب محمدی(ص) را مطرح می‌کنند و می‌گویند: «حج برای نزدیک شدن و اتصال انسان به صاحب خانه است. و حج تنها حرکات و اعمال و لفظها نیست و با کلام و لفظ و حرکت خشک، انسان به خدا نمی‌رسد. حج کانون معارف الهی است که از آن

محتوای سیاست اسلام را در تمامی زوایای زندگی باید جست‌وجو نمود. حج پیام‌آور و ایجاد و بنای جامعه‌ای به دور از زایل مادی و معنوی است. حج تجلی و تکرار همه صحنه‌های عشق‌آفرین زندگی یک انسان و یک جامعه متکامل در دنیاست، و مناسک حج مناسک زندگی است. از آنجا که جامعه امت اسلامی، از هر نژاد و ملیتی، باید ابراهیمی شود تا به خیل امت محمد - صلی‌الله علیه و‌اله وسلم - پیوند خورد و یکی گردد و ید واحده شود، حج تنظیم و تمرین و تشکل این زندگی توحیدی است. حج عرصه نمایش و آینه سنجش استعدادها و توان مادی و معنوی مسلمانان است… مسلم حج بی‌روح و بی‌تحرک و قیام، حج بی‌برائت، حج بی‌وحدت، و حجی که از آن هدم کفر و شرک برنیاید، حج نیست. خلاصه، همه مسلمانان باید در تجدید حیات حج و قرآن کریم و بازگرداندن این دو به صحنه‌های زندگی‌شان کوشش کنند، و محققان متعدد شرعی باید برای تبدیل رنگ و بوی حج به حج اسلامی، عنوان این اسلامی کردن هم برائت خدا و رسول است که امام علی(علیه‌السلام) قرائت کرده است. چنین حجی حج واقعی است. البته این برائت هنوز کمزگ‌تر از برائتی است. حج که امام علی(علیه‌السلام) اعلام کرد. برائت امام علی(علیه‌السلام) قوی‌تر از برائتی بود که ایرانی‌ها



حج

حج

حج

حج

حج

حج

حج

حج

حج

حج

حج

حج

حج

حج

حج

حج

حج

حج

حج

حج

حج

حج

حج

حج

حج

حج

حج

حج

حج

حج

حج

حج

حج

حج

حج

حج

حج

حج

حج

حج

حج

حج

حج

حج

حج

حج

حج

حج

حج

حج

حج

حج

حج

حج

حج

حج

حج

حج

حج

حج

حج

حج

حج

حج

حج

حج

حج

حج

حج

حج

حج

حج

حج

حج

حج

حج

حج

حج

حج

حج

در حج اعلام می‌کنند. برائت امام علی(علیه‌السلام) برائت از مشرکان و اعلام جنگ علیه آنها بوده است. اعلام این نکته بوده که تا ابد اجازه ندارند به این مراکز مقدس برگردند. عده‌ای در بین ما می‌گفتند: ننا فقط باید حجمان را به جا بیاوریم، اینجا مکان عبادت است، برای آمریکا و اسرائیل وقت نداریم! چون چیزی نمی‌فهمیم این حرف‌ها را به زبان می‌آوریم. مشکل ما این است که فهم ما سطحی است.»

امام خمینی(ره) حج فعلی را حج نوادگان بلعم باعورا خوانده و در همان پیام می‌گوید: «در منطق استکیار جهانی هر که بخواهد برائت از کفر و شرک را پیاده کند متهم به شرک خواهد شد، و مفتی‌ها و مفتی‌زادگان این نوادگان بلعم باعوراها، به قتل و کفر او حکم خواهند داد. بالاخره در تاریخ اسلام می‌بایست آن شمشیر کفر و نفاقی که در لباس دروغین احرام یزیدیان و جیره‌خوران بنی‌امیه - علیهم لعنة‌الله - برای نابودی و قتل بهترین فرزندان راستین پیامبر اسلام، یعنی حضرت ابی عبدالله‌الحسین - علیه‌السلام - و یاوران باوفای او، پنهان شده بود، مجدداً از لباس همان میراث‌خوران بنی‌سقیان به درآید و گلولی پاک و مطهر یاوران حسین - علیه‌السلام - را در آن هوای گرم، در کربلای حجاز و در قتلگاه حرم، پاره کند، و هسان اتهاماتی را که یزیدیان به فرزندان راستین اسلام زدند و آنان را خارجی و ملحد و مشرک و مهدورالدم معرفی کردند، درست همان را به رهروان راه آنان وارد آورند که ان‌شاءالله که آندوه دلمان را در وقت مناسب با انتقام از آمریکا و آل‌سعود برطرف خواهیم ساخت و داغ و حسرت حلاوت این‌ جنایت بزرگ را بر دلشان خواهیم نهاد، و با برپایی جشن پیروزی حق بر جنود کفر و نفاق و آزادی کعبه از دست ناهالان و نامحرمان به مسجدالحرام وارد خواهیم شد. اما زائران کشورها که یقیناً با کنترل و ارعاب دولت‌ها و حکومت‌هایشان به مکه سفر کرده‌اند، جای دوستان و برادران و حامیان و همسنگران واقعی خود را در میان خود خالی خواهند یافت. آل‌سعود برای پرده‌پوشی جنایات هولناک سال گذشته خود و همچنین توجیه صدعن سبیل‌الله و منع حجاج ایرانی از ورود به حج، زائران را زیر بمباران شدید تبلیغات خود قرار خواهد داد، و آخوندهای درباری و مفتی‌های خودفروخته - لعنة‌الله‌علیهم - در کشورهای اسلامی خصوصاً حجاز توسط رسانه‌ها و مطبوعات دست به نمایش‌ها و سخنرانی‌ها زده و عرصه را بر تفکر و تحقیق زائران درباره فهم و درک فلسفه واقعی امام خمینی درباره «برائت از مشرکین» و فلسفه حج و نیز پی بردن به ماجرای از پیش طرح شده شیطان بزرگ در قتل میهمانان خدا تنگ خواهند نمود.»

«نظریه اسلام ناب - اسلام آمریکایی» اگرچه در ابتدا از سوی امام خمینی رحمة‌الله طرح شد، اما بعد از ایشان، توسط رهبر انقلاب نیز ادامه یافت و تعاریف و جنبه‌های بیشتری نیز به آن افزوده شد. برای مثال، رهبر انقلاب،

۱۰ آیه نخست سوره براءت را در حج قرائت کرد. این حرکت آغاز تبدیل حج به حج اسلامی بود. خدا و رسولش از مشرکان بیزارند. امام علی(علیه‌السلام) آیات براءت از مشرکان را قرائت فرمودند. ما شیعیان امام علی(علیه‌السلام) اینجا می‌گفتیم: چرا اینها شعار می‌دهند؟ چرا مرگ بر آمریکا می‌دهند؟ چرا مرگ بر اسرائیل می‌گویند؟ آیات براءت از مشرکان جزو حج است؟ حج ما یعنی‌ها این بود

از منظر امام خمینی(ره) اسلام آمریکایی صرفاً اسلام غرب‌زده یا اسلامی که مورد تبلیغ یا حمایت مستقیم ایالات متحده آمریکا باشد، نیست. از منظر امام خمینی رحمة‌الله، تجدد و تحجر به‌مثابه ۲ مانع در فهم اسلام ناب عمل می‌کنند. قرآنی از اسلام که متأثر از این دوزمینه اجتماعی ارائه می‌شود، اسلام تجدد و اسلام تحجر خواهد برای هر اسلام برخاسته از هر دوی این زمینه‌هاست

ناب است.» در واقع در مفهوم‌سازی‌های این نظریه، هم «اسلام متحجر آمیخته با خرافات» و هم «اسلام تطبیق‌داده‌شده با اصول آمریکایی و مورد نظر غربی‌ها» مورد نقد هستند که «هر دو اینها اسلام آمریکایی است.» از همین رو است که از دیدگاه ایشان، اسلام آمریکایی ۲ نوع عمده دارد: «نوع لاتینک و غرب‌گرا» و «نوع متحجر و خشن» و قابل تامل آنکه هر دو این اسلام‌ها یعنی هم اسلام متحجر و هم اسلام لاتینک با حج تشریفاتی و خنثی موافقت و آن را ترویج و تبلیغ می‌کنند. حجی که به تعبیر امام حج نوادگان بلعم باعورا و ابوهل و ابوهلپ و ابوسفیان است.



اشاره

رابطه پنهان و آشکار آمریکا با بهاییان و تأثیر آن در ایران

امیرعلی حسن‌لو: براساس گزارش‌های رسمی، بهاییان از سال ۱۳۱۸ مق فعالیت خود را در ایالت شیکاگو آغاز کردند. بهاییان آمریکا که تحت حمایت دولت آمریکا بودند، به دستور «میرزا حسینعلی» در امر وقف املاک و بناهای خود به نام بهائیت تلاش فراوانی داشتند و هدایایی را جهت تشویق مردم و جذب آنان به بهائیت و گسترش بهائیت، وقف کرده و در اختیار رهبران بهایی قرار می‌دادند. شناسایی و ثبت املاک بهائیت ابتدا از آمریکا آغاز شد؛ در به رسمیت شناختن موقوفات بهاییان نیز آمریکا پیشقدم شد. بدین ترتیب آمریکا در تأمین نیازهای مالی این فرقه پیشدستی کرد. بر همین اساس، بهاییان آمریکا موفق شدند در مدت کوتاهی عوارض و مالیات‌های موقوفات بهاییان را لغو کرده و حتی تسهیلات و مساعدت‌های عمد‌ای در اختیار آنان بگذارند تا صرفاً به امور بهائیت رسیدگی و در نشر آن در قاره آمریکا یاری و مساعدت کرده باشند. قبول اسناد و اوراق رسمی سال‌های ۱۹۲۸ تا ۱۹۴۲ به تصویب ایالات متحده رسید و مقرر شد به موجب موافقتنامه و قرارهایی که در سال‌های فوق به تصویب فرماندارن محلی ایالت رسید، موقوفات بهاییان متعلق به «محل مرکزی بهاییان آمریکا» یا به نام‌های دیگر مثل «رفقای جامعه بهائیت» ثبت شود.حمایت رسمی آمریکا از تمول و تروتمندی بهاییان، به منظور توسعه این فرقه در تمام دنیا انجام می‌گرفت. این حمایت جهت بنیان اساسی و شکل‌گیری اولیه از نسوی آمریکا حساب‌شده و برنامه‌ریزی‌شده بود. مجموعه موقوفات بهاییان در آمریکا از سال ۱۹۵۰ تا ۲۰۰۰ چندین‌برابر افزایش یافته و درآمد حاصل از آن در نشر بهائیت و حمایت از بهاییان جدیدالورود و سایر امور بهائیت از مسائل فرهنگی تا مسائل ریز اقتصادی بهاییان هزینه می‌شود.مدارس انبوهی در ایالات مختلف تأسیس شده که به شکل گسترده و پیچیده و با توجه به فناوری‌های روزآمد در آمریکا و فراتر از مرزهای آمریکا خصوصاً در کشورهای اسلامی در حسال افزایش است. چنانکه گزارش‌های رسیده در ایران حاکی از آن است که در شهرهای مختلف جنوبی فعالیت‌شان افزایش یافته است. آمریکاییان به مسخره بودن ادعاهای بهاییان و بطلان آن واقف بودند اما این مساله را حربه‌ای قوی برای شکستن ایران می‌دانستند و بهاییان را اسنان‌های زبون و پستی دیده بودند که به وسیله آنها به هر جنایتی می‌توان دست زد؛ از این‌رو از ترویج بهائیت در آمریکا نیز استقبال می‌کردند. از جمله، بسیاری از سران بهائیت که آمریکایی بودند مانند ماکسول به دستور عبدالکبیر به همراه عده‌ای جهت تبلیغ بهائیت حرکت کرده و به قول خودشان پرچم الهی را در اقصی نقاط عالم به اهتزاز درآوردند. آنچه درباره بهائیت تأمل‌برانگیز است، تشکیلات گسترده آن است که براساس حمایت مالی و فکری بیگانگان روز به روز در حال گسترش و فعالیت بیشتر است. امروز، آمریکا باقوت و نفوذگه‌ای قوی برای شکستن ایران می‌دانستند و سرزمینی که به نام اسرائیل در قلب عالم اسلام جعل شده، پایگاه اول بهاییان و شهر مقدس و تکنولوژی مسلح کرده تا از حریم بهائیت و آرمان‌های جهان امپریالیسم دفاع کنند. آنچه امروز آمریکا را در سازمان‌های بین‌المللی بر استفاده از حق وتو و تحریم و تصویب قوانین بین‌المللی علیه برخی کشورها از جمله ایران برمی‌انگیزد، تنها دفاع از موجودیت صهیونیسم نیست بلکه در کنار آن دفاع از بهاییسم است که صهیونیسمی دیگر است. چنانکه قبلاً از تشکیل و حضور و مهاجرت یهودیان به فلسطین، بهاییان ایران و نقاط دیگر جهان و رهبران بهایی به این سرزمین منتقل شدند و مورد حمایت انگلیس و آمریکا قرار گرفتند و قلب تپنده خاورمیانه مقر معابد جعلی و مقدس‌نمایی بهاییان شد. این تشکیلات، یک تشکیلات کاملاً امپریالیستی در خدمت سیاست‌های آمریکاست. در این تشکیلات وابسته، کارهای جاسوسی برای دولت آمریکا برنامه‌ریزی و به نام مرام بهائیت در کشورهای دیگر اعلام می‌شود. سازمان‌هایی مثل سیا، موساد و… جاسوس‌های خود را از این تشکیلات به خدمت می‌گیرند و این مراکز به آموزش آنها می‌پردازند و به کشورهای دیگر روانه می‌کنند. بهاییان در وطن‌فروشی و امپریالیسم همچون منافقان پس از انقلاب کم نگذاشتند، حتی در ترور برخی شخصیت‌ها و ایجاد آشوب‌های قومی نیز بی‌دخالت نیستند و اکنون به بهترین حربه برای استعمارگران مبدل شده‌اند که در انحرافات فرهنگی و ابتذال جوانان و همکاری با کمپانی‌های تولیدات محصولات فرهنگی منحرف، همکاری نزدیک دارند.

منبع: ماهنامه «شفاقت» نشر به تخصصی حمایت از قربانیان فرقه‌گرایی در ایران، شماره ۱۴